



نقش ونیز در جنگ های صلیبی و تجارت قرون وسطی

حسن شخم گر

چکیده

تجارت از قرن دوازدهم، در نتیجه جنگ های صلیبی پیشرفت زیادی کرد. مدیترانه مرکز بازرگانی بود و سه قاره را به هم می پیوست. ونیزی ها نقطه ی عطفی در روابط تجاری مدیترانه بودند، آنها توانستند به وسیله ی تجارت با مشرق زمین در خلال جنگهای صلیبی و پس از آن ثروت فراوانی کسب کنند. هدف این پژوهش بررسی تحرکات ونیز در اثنای جنگ های صلیبی و تجارت قرون وسطی است تا در نهایت به نقش این تحرکات در حوادث تاریخی آینده پی ببریم. در پاسخ به این پرسش که چگونه شهرهای شبه جزیره ی ایتالیا مثل ونیز در قرون وسطی مخزن کالاهای تجاری با شرق شد، باید گفت عواملی مثل جنگ صلیبی چهارم و سوداگری ونیزی ها در این موضوع موثر بودند. پژوهش پیش رو از نوع تاریخی بوده و به روش تحلیلی و با شیوه ی گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای انجام گرفته است.

کلید واژه: قرون وسطی، ونیز، تجارت، جنگ های صلیبی



مقدمه:

فرهنگ ها در طول تاریخ با هم تعامل داشته اند و به دنبال آن تحولاتی ایجاد شده است. مدرسه های پنجم تا هفتم قرون وسطی شبکه تجاری رو به افول رفت، بعد از سده دهم و در نتیجه ی رشد شهرنشینی و بورژوازی تجاری در اروپا موجب تمایل بیشتر برخی شهر ها به پول و مال اندوزی شد.

یکی از عواملی که مقدمات رونق بازرگانی را در اروپا فراهم کرد جنگ های صلیبی بود که در بیداری مردم قرون ۱۲ و ۱۳ اروپایی بی اندازه موثر بود.

برخی کشورها یا برخی از شهرها به خصوص از تجارت سود فراوان بردند؛ از آن جمله امپراتوری یونان که واسطه ی میان اروپا و آسیا بود، چند شهر ایتالیا (ونیز، ژن، پیزا و...) فلاندر و شهرهای آلمانی شمال که با هم متحد شده بودند. (دولاندن، ۱۹۵۸م: ۴۰۷).

هدف و ضرورت پژوهش حاضر، تحلیل و قایع تاریخی و بررسی تحولات جنگ صلیبی چهارم و تاثیرپذیری ونیز در تجارت قرون وسطی است، این پژوهش بر آن است تا برای این پرسش پاسخ هایی مستدل بیابد:

چگونه جنگ های صلیبی (خاصه جنگ صلیبی چهارم)، مدیترانه را مرکز بازرگانی پر جوش و خروش قرار داد و شهرهای شبه جزیره ی ایتالیا مثل ونیز مخزن کالاهای تجاری با شرق و نقاط دیگر شد؟

روش پژوهش:

پژوهش پیش رو با مراجعه به کتاب ها و منابع معتبر محقق شده از نوع تاریخی بوده و به روش تحلیلی صورت گرفته است. در این پژوهش رویدادهای تاریخی، روابط تجاری ونیز، نقش ونیز در جنگ های صلیبی و ... بررسی شده است. پیشینه ی پژوهش:

تا کنون پژوهش های اندکی درباره ی سرزمین ونیز انجام شده است. مقالات اندکی به زبان فارسی در مورد روابط بازرگانی و تجاری ونیز در قرون وسطی نگاشته شده است و مقالات کمی در این زمینه به فارسی برگردانده شده است. برای نمونه احمد رضا متولی در «فراز و فرود روابط بازرگانی مصر و ونیز در دوره ی ممالیک برجی» (۱۳۹۹) به طور مفصل به تجارت مصر و ونیز در سال های (۹۲۳-۷۸۴ه) پرداخته و سالهای رونق و رکود تجاری را به همراه عوامل آن در این کشورها بررسی کرده است و در این زمینه به نتایجی رسیده است و به برتری نظامی و اقتصادی ونیز در مدیترانه توجه داشته است.

در نمونه ی دیگر در مقاله ی فردریک چین این ترجمه ی حسین بیات « کشتیرانی ونیز در دوره انقلاب بازرگانی» به صورت جزئی به تجارت ونیز در قرن پانزدهم و در آستانه ی پایان قرون وسطی پرداخته و محموله های تجاری ونیزی را مورد کاوش قرار داده است.



تا کنون پژوهشی که نقش و روند تاریخی تجارت ونیز در جنگهای صلیبی و تاثیر این تجارت ها در قرون وسطی را بررسی کند صورت نپذیرفته است.

مروری بر جنگ های صلیبی و علل آن (۱۰۹۵ تا ۱۲۹۱ م)

جنگهای صلیبی اوج حوادث قرون وسطی و شاید جالبترین واقعه ای بود که در تاریخ اروپا و خاور نزدیک رخ می داد. اکنون دو دین بزرگ جهان، اسلام و مسیحیت، یبعد از قرنها مناظره، سرانجام آن را به حکمیت نهایی بشر- یعنی به میدان جنگ - واگذار می کردند. تمام ترقیات قرون وسطایی، جمیع عرصه ی بازرگانی و جهان مسیحی و ... در دویست سال جنگی که در طی تقریبا هشت رشته انجام شد، برای روح بشر و منافع بازرگانی در گرفت به اوج کمال و اعتلا رسید. (دورانت، ۱۹۵۰م: ۷۸۳).

از علل های جنگ های صلیبی می توان به پیشتازی ترکان سلجوقی، تضعیف بیش از حد امپراتوری بیزانس، مشکلات جمعیتی، اقتصادی و سیاسی اروپا و همچنین جاه طلبی شهرهای ایتالیایی از قبیل پیزا، جندا، آمانفی و به خصوص ونیز اشاره کرد که مورد آخر در جنگ صلیبی چهارم جلا پیدا می کند. (غفاری فرد، ۱۳۸۷: ۱۹۸، ۱۹۹).

چهارمین جنگ صلیبی، جنگ صلیبون علیه مسیحیون و افاقه ونیز در آن

پس از آن که نرمان ها سیسیل را از دست مسلمانان بیرون آوردند (۱۹۰۱- ۱۰۶۰) و لشکریان مسیحی حکومت مسلمانان را در اسپانیا کاهش دادند (از ۱۰۸۵ به بعد) مدیترانه ی غربی به روی بازرگانان مسیحی باز شد. شهرهای ایتالیای از راه صادرات کالاهای داخلی ثرمتند تر و نیرومند تر شده و در صدد برآمدند به برتری مسلمانان در شرق پایان دهند. (همان)

ونیز به همراه ژن در جنوب دریای مدیترانه واقع شده بودند و از مناطق بزرگ تجارت اروپا با کشورهای شرقی بودند. به طوری که در عهد فیلیپ لوهاردی یک نفر از مردم ونیز که مارکوپولو نام داشت از آسیای مرکزی عبور کرده و به چین رفت و هفده سال در آنجا ماند و سه سال بعد از مراجعتش (۱۳۹۱) شرح مسافرت حیرت انگیز خود را به تحریر در آورد. (ماله، ۱۹۰۴م: ۳۸۴)

موقعیت ونیز چنان بود که میان امپراتوری روم شرقی و غربی واقع بود و توانست آزاد بماند. ونیز دارای نیروی دریایی قوی شد و یک جمهوری تاسیس کرد که تا سال ۱۷۹۷ دوام آورد و در این سال ناپلئون بنا پارت آن را برانداخت. (غفاری فرد، ۱۳۷۸: ۲۱۰)

ونیز جمهوری بود که در روی دریاچه ای که از دریا جدا شده بنا گردیده بود. در گذشته هنگام هجوم بربرها در قرن چهارم عده ای از ساکنین خشکی به آنجا پناه برده بودند و چون از هر دو طرف آنها را احاطه کرده بود. اشغال و تجارت عمده ی آن ساختن نمک شده بود. نمک در قرون وسطی بسیار کمیاب و گران بود. در عرض چنین قرن ونیز انحصار تهیه ی آن را در دست داشت و آن را برای توسعه ی قدرت شهر خود بکاربرده بود. (وان لون، ف ۱۹۴۴: ۱۳۸ و ۱۳۹)



و نیز از راه خشکی به طرف اروپای شمالی استفاده می کرد. این جاده ی قدیمی از گردنه ی برنر که بربرها از آن عبور و ایتالیا را اشغال کرده بودند می گذشت. کالاها پس از اینسبورگ یا به شهر بال برده شده و از راه رودخانه ی رن به دریای شمال و انگلستان فرستاده می شد یا اینکه به شهر اوکسبورگ برده شده و در آنجا به وسیله ی خانواده ی فوژر مال التجاره های وارد به نورمبورگ و لایپزیگ در شهرهای ساحل بالتیک تاویزی در جزیره گوتلند تقسیم می گردید. (همان، ۱۴۰ و ۱۴۱)

پیشرفت در زمینه ی ذریانوردی در قرن وسطی هر چند بطئی اما قاطعانه صورت می گیرد و بر ظرفیت ناوگان های ایتالیایی و ونیزی به مرز هزار تن هم رسید. (لوگوف، ف ۲۰۱۴: ۲۱۷)

در سال ۱۰۷۲ اولین شرکت بازرگانی از نوع "colleganza" در ونیز تاسیس شد. (همان، ۳۹۴)

سومین جنگ صلیبی عکارا آزاد ساخت، اما بیت المقدس را همچنان در دست مسلمانان باقی گذاشته بود. نتیجه ای چنین اند که از یک سلسله مبارزاتی که در آن بزرگترین سلاطین اروپا شرکت جسته بودند ظبعا مایه ی دلسردی بود. لکن چون صلاح الدین زئد درگذشت و امپراتوری وی تجزیه شد، امید امیرمومنین اروپایی بالا گرفت.

اینوکتیوس سوم از آغاز تصدی مقام پاپی خواستار کوشش دیگری در این راه بود و کشیش ساده ای به نام فولک دونویی، در طی موعظاتی، سلاطین و مردم را به شرکت در چهارمین جنگ صلیبی دعوت کرد.

اینوکتیوس پیشنهاده کرد که مبارزه علیه مصر در صورتی با موفقیت همراه خواهد بود که ایتالیا حاکم بر دریای مدیترانه باشد و. تسلط بر سرزمین ثروتمند و حاصلخیزی مثل مصر بهترین وسیله ی رسیدن به بیت المقدس و تسخیر آن شهر است. مصر مرکز قدرت مسلمانان شده می شد و اگر آن سرزمین به دست صلیبیان می افتاد توانی در مسلمانان برای نگهداری فلسطین و شام باقی نمی ماند. قشونی از سوی پاپ به ونیز فرستاده شد تا در مورد کرایه ی کشتی گفتگو کنند. از جمله نمایندگان این هیئت، ویل آردوئن از اهالی شامپانی بود که بعدها تاریخ جنگ صلیب را نوشت. (دورانت، ۱۹۵۰م: ۸۰۶)

در نهایت آن جمهوری کوچک دریانورد را راضی کردند، در برابر ۸۵۰۰۰ مارک نقره، وسایل حرکت چهارهزار و پانصد شهسواد با مرکب آن ها، نه هزار تن از ملازمان و بیست هزار تن پیاده نظام به انضمام سیورسات نه ماهه ی آن ها را از دریا فراهم سازد؛ به علاوه، پنجاه فروند کشتی جنگی مجهز به افراد پاروزن را در اختیار صلیبیون بگذارد. و نیز در مقابل این خدمات یک شرط قائل شد و آن گرفتن نیمی از اراضی تصرف شده بود.

با مداخله ی شهرهای سوادگرایتالیا عاملی دیگر در سیاست خاورزمین پیدا شد، آنها در آغاز در پیوستن به صلیبیان دودل بودند، اما همین که دیدند جنبش صلیب نزدیک است تا به هدفش برسد، شهرهای پیزا و جنوا و ونیز کشتی روانه ی مشرق کردند.



لکن ونیزی ها به هیچ وجه قصد حمله به مصر را نداشتند. سوداگران ونیزی همه ساله از طریق صدور الوار و آهن و اسلحه به مصر و وارد کردن غلام، میلیون ها دلار استفاده می کردند و اکنون حاضر نبودند که این داد و ستد را با جنگ به مخاطره افکنند ی پیزا و جنوا را در این معاملات سهم سازند. (همان، ۸۰۷)

آلبر ماله می گوید: «ونیزی ها دریای آدریاتیک و مجمع الجزایر را نیز به حیطه ی تصرف خود در آورده بودند و بالخاصه با اسکندریه معامله می کردند و حتی در صدد برآمدند که با شرق نیز مستقیماً مراوده پیدا کنند.» (ماله، ۱۹۰۴م: ۳۸۴)

جیمز آ. کوریک می گوید: «در قرون وسطی رقابت ونیز با جنوا برای تجارت پر سود با مشرق زمین ابتدا در کالاها و بازرها، سپس به کشمکش و درگیری و سرانجام به جنگ منتهی شد. در سال ۱۳۸۰م، هنگامی که ونیزی ها ناوگان جنوا را شکست دادند، جنوا ضربه ای خورد که هیچ گاه نتوانست جبران کند.» (کوریک، ۱۹۴۵م: ۴۰)

ونیزی ها می گفتند: «اول ونیزی هستیم یعنی تاجریم، سپس مسیحی.» (بیگدلی، ۱۳۸۴: ۱۰۵) به همین سبب، در همان حال مشغول مذاکره با صلیبیون بودند، مخفیانه با سلطان مصر عقد اتحادی بستند و متعهد شدند که آن کشور را در برابر تهاجم بیگانگان حراست کنند. (۱۲۰۱)

ارنول، یکی از وقایع نگاران این عهد، اظهار می دارد که ونیز برای منحرف ساختن جنگ صلیبی از فلسطین، رشوه ی چشم گیری دریافت کرد. (دورانت، ۱۹۵۰م: ۸۰۷)

در تابستان ۱۲۵۲، لشکریان جدید صلیبی در ونیز گردآمدند. سرداران این سپاه عبارت بودند از مارکز، بونیفا چوازونفرا، کنت لوی از بلوا، کنت بودئن از فلاندر، سیمون دومونفور و عده ی زیادی از بزرگان و اشراف عهد، از جمله ژفروادو ویلاردوئن و مارشال دو شامپانی، که نه فقط در دیپلماسی و مبارزات صلیبی سهم شایانی ایفا کرد، بلکه تاریخ فصاحت آور آن را به صورت خاطرات آبرومندی تدوین کرد که خود مقدمه ی آثار ادبی منثور زبان فرانسه بود. به سنت مألوف، اکثر صلیبیون از فرانسه می آمدند. به هر کس که در این امر خطیر شرکت می جستند دستور داده شده بود که به نسبت استطاعت مالی خویش مبلغی پول نقد همراه بیاورد تا ۸۵۰۰۰ مارک نقره ای که ونیز مطالبه می کرد، گرد آید. پس از گردآوری تمام وجوه، هنوز ۳۴۰۰۰ مارک کمبود داشتند. انریکو داندولو، دوج تقریباً نایبای ونیز «که دلس را دریای کرم می خواندند». با تمام حرمتی که از آن مردی نود و چهار بود، پیشنهاد کرد که اگر صلیبیون در تسخیر بندرزوار به ونیز مدد رسانند، جمهوری مزبور از تقاضای مابقی پول صرف نظر خواهد کرد. این بندر بعد از خود ونیز مهمترین بندر دریایی آدریاتیک محسوب می شد.

در ۹۹۸ م ونیز آنرا تسخیر کرده بود، و بارها در آنجا مردم علم شورش برافراشته و منکوب شده بودند. اما در این تاریخ به مجارستان تعلق داشت و تنها راه ارتباطی اراضی مجارنشین با دریا بود. از آنجا که ثروت و قدرت این بندر رو به فزونی بود، ونیز بیم آن داشت که رقیب عمده ی وی در تجارت آدریاتیک شود. مردم بندر زارا نصرانی بودند. اینوکتیوس سوم چنین



پیشنهادی را شروانه نامید و تهدید کرد هر کس در اجرای این نقشه شریک شود، او را تکفیر می کند. لکن صدای دلنواز انکسه های طلا آنقدر بلند بود که امکان نداشت سخنان بزرگترین و مقتدرترین پاپ های عالم به گوش کسی رسد. (همان)

ناوگان مشترک جنگجویان برزا را هجوم بردند و آن بندر را در عرض پنج روز تسخیر و غنایم به دست آمده را میان خود تقسیم کردند. آنگاه صلیبیون هیئتی را به شفاعت نزد پاپ روانه داشتند و تقاضای عفو کردند. پاپ برایشان آموزش فرستاد، لکن تقاضا کرد که غنایم بدست آمده را مسترد دارند. صلیبیون از پاپ برای آموزش گناهان تشکر کردند، اما غنایم را نگه داشتند. و نیز حکم تکفیر پاپ را نادیده گرفتند و در صدد اجرای دومین برنامه ی خویش که تسلط بر قسطنطنیه بود، برآمدند.

حکومت سلطنتی بیزانس از جنگهای صلیبی چیزی نیاموخته بود؛ کمکی که در این مبارزات به صلیبیون کرد اندک بود، اما منافی سرشار عایدش شد، قسمت اعظم آسیای صغیر را دوباره به چنگ آورد و با آرامش و قرار شاهد تضعیف متقابل اسلام و ضرب در کشمکش که بر سر فلسطین روی می داد شد. امپراتور مانوئل هزاران نفر از ونیزیها را در قسطنطنیه زندانی و چند صباحی امتیازات تجاری ونیز را در آن سامان لغو و قطع کرده بود. (۱۱۷۱م) اسحاق دوم، ملقب به آنگلوس، بی هیچ ناراحتی و دغدغه ی خاطری با اعراب مسلمانان متحد شده بود. در سال ۱۱۹۵ اسحق به دست برادرش آلکسیوس سوم خلع، زندانی و نابینا شد. پسر اسحاق که او نیز آلکسیوس نام داشت، به آلمان گریخت. در ۱۲۰۲ وی عازم ونیز شد و از سنای ونیز و صلیبیون تقاضا کرد که پدرش را نجات دهند و دوباره به مقام سلطنت برادرند، و در عوض وعده داد که برای هجوم به مسلمانان همه ی نوع سیورسات در اختیار آن ها قرار دهند. داندولوو با رونمای فرانسوی قرار داد سنگین را بر آلکسیوس جوان تحمیل کردند: به این معنی که از وی تعهد گرفتند مبلغ ۲۰۰۰۰۰ مارک نقره به صلیبیون تسلیم کند، سپاهی مرکب از ده هزار نفر را برای خدمت در فلسطین مجهز سازد، و کلیسای ارتدوکس یونانی را مطیع و منقاد پاپ اعظم گرداند. با وجود این رشوه ی زیرکانه، اینوکتیوس سوم صلیبیون را از هجوم به امپراتوری بیزانس بازداشت و تهدید کرد که هر کس را که از گفته ی او تخلف ورزد تکفیر خواهد کرد. برخی از اعیان حاضر به شرکت در چنین ماجرابی نشدند. بخش از سپاهیان، خود را از مبارزات صلیبی معاف دانستند و به زاد و بومشان برگشتند. لکن امید به تسخیر ثروتمندترین شهر اروپا چنان اندیشه ی نوید بخشی بود که تاب و توان از همه می برد. در اول اکتبر ۱۲۰۲، ناوگان عظیم مزبور، مرکب از ۴۸۰ فروند کشتی، در میان شور و شغفی بسیار در حالی که کشیشان بر بالای حصارهای جنگ ناوها مشغول ترنم سرود مذهبی «بیا ای روح القدس، آفریدگار» بودند، به حرکت درآمد. پس از یک رشته تاخیرهای گوناگون، در ۲۴ ژوئن ۱۲۰۳، آن ناوگان عظیم به مقابل شهر قسطنطنیه رسید. (همان، ۸۰۸)

اتمام حاجتی به لکسیوس سوم تسلیم شد به این مضمون که همراه ناوگان سفر کرده بود، واگذار. چون وی از قبول این امر خودداری ورزید، صلیبیون در برابر مقاومت جزئی، جلو حصار شهر، در خشکی پیاده شدند، و داندولوی کهنسال اولین کسی بود که به ساحل قدم نهاد. آلکسیوس سوم به تراکیا گریخت. اعیان یونانی اسحاق آنگلوسرا از سپاهچال بیرون آوردند، براریکه ی سلطنت نشانیدند و پیامی به نام وی سرکردگان سپاه لاتین فرستادند به این مضمون که وی در انتظار است که به پسر خویش



خوشامد بگویند. داندولوو با رونما، بعد از گرفتن تعهدی از اسحاق مشعر بر انجام وعده ها و قولهایی که به پسرش داده بود، وارد شهر شدند، و آلكسیوس چهارم جوان تاج امپراتوری را بر سر نهاد. اما چون یونانیان آگاه شدند که وی پیروزی خویش را با چه قیمتی خریده است، با نفرت و خشم از وی برگشتند. مردم عادی متوجه شدند که امپراتور، برای ایفای قول خویش به منظور رسانیدن کمک مالی به سپاه نجات دهنده، به گرفتن مالات از آنها نیاز دارد، طبقه ی اشراف یونانی از حضور اعیان و سپاهیان بیگانه در خاک خویش متنفر بودند و طبقه روحانیان با خشم تمام پیشنهاد را در کرده بودند و حاضر به اطاعت از شخص پاپ نم شدند. در همین احوال، پاره ای از سپاهیان لاتین که جمعی از مسلمانان راه و مسجدی، آن هم در یک شهر مسیحی، مشغول عبادت دیده بودند، چنان دچار وحشت شدند که آن مسجد را آتش زدند و مومنین مسلمانان را کشتند. آتش سوزی مدت هشت روز ادامه داشت و به فاصله پنج کیلومتر به اطراف سرایت و بخش عظیمی از قسطنطنیه را مبدل به خاکستر کرد. شاهزاده ای که پیوند نسبی با خاندان امپراتور داشت مردم را به شورش دعوت کرد، آلكسیوس پنجم بر تخت نشست و شروع به تدارک و تجهیز سپاه کرد تا لشکریان لاتین را از اردوگاهشان در غلاتیا بیرون کند. ام یونانیان، که سالهای سال در داخل حصارهای خویش به امن و امان خو گرفته بودند، اینک از آن فضایل دیرینه ی رومی ذره ای بیش برایشان نمانده بود. پس از یک ماه که قسطنطنیه در محاصره بود، همگی تسلیم شدند، آلكسیوس پنجم گریخت، ولاتینی های پیروزمند مانند گروه عظیمی از ملخ های گرسنه به جان پایتخت امپراتوری بیزانس افتادند. (۱۲۰۴) (همان، ۸۰۹)

سربازان صلیبی، که مدتها بود چنین لقمه ی چرب و شیرینی را انتظار می کشیدند، اینک در اثنای عید فصح، چنان قسطنطنیه را مورد تاراج قرار دادند. که حتی روم در یورش و اندالها و گوتها نظیرش را ندیده بود. عده ی تلفات یونانیان آن قدرها زیاد نبود و شاید از دو هزار نفر تجاوز نمی کرد. اما غارت حد و حصری نداشت. اصیا نوادگان لاتین کاخها را بین خودشان تقسیم و نفایسی را که در آنها یافتند تصاحب کردند. لشکریان وارد خانه های مردم، دکانها و کلیساها شدند و آنچه پسند خاطرشان افتاد به غنیمت برداشتند. نه فقط طلا و نقره و جواهراتی که در عرض هزار سال در کلیسا گردآمده بود به تاراج رفت، بلکه پاره ای از یادگاری های قدیسان نیز ناپدید شد و چندی بعد در اروپای باختری به قیمت های گزافی به فروش رسید. خساراتی که بر کلیسای سانتا سوفیا وارد آمد به مراتب عظیم تر از ضایعات ترکان در ۱۴۵۳ بود، چه در این تاراج محراب بزرگ کلیسا را تکه تکه کردند تا طلا و نقره ی آن را میان فاتحان تقسیم کنند. از آنجا که ونیزیها بارها به عنوان سوداگر به این شهر آمده بودند، بدیهی است که می دانستند نفیس ترین گنجینه های آن در کجا قرار داد، از این رو با منتهای هوشیاری این گونه نفایس را به سرقت بردند. مجسمه ها، منسوجات، غلامان و جواهرات همه به دست آنها افتاده چهار اسب برنزی که مشرف بر شهر قسطنطنیه بود از این پس به ونیز برده می شد تا زیب و زیور میدان کلیسای سان مارکو شود. نه دهم تمامی مجموعه ی آثار هنری و جواهراتی که بعدها خزانه ی کلیسای مزبور را در عالم ممتاز ساخت از این سرقتی که به طرز دقیق ترتیب داده شده بود تامین شد. (همان، ۸۱۰) در ابتدا ونیزیان می گفتند: ما چندان که باید جان و مال خود را به قایقی شکننده سپرده ایم و بهتر



است حمله زمین صورت گیرد. (گیبون، ۱۷۹۴ ف: ۱۲۰۳) برای محدود ساختن هتکناموس پاره ای اقدامات به عمل آمد. بسیاری از سپاهیان جانب اعتدال را رعایت نمودند و خود را با فواحش اراضی نمودند، لکن اینو کنتیوس سوم شاکی بود که سپاهیان لاتین، در برابر سرکشی نفس اماره، نه اعتنایی به سن داشتند، نه به جنس، و نه حرفه ی دینی، چنانکه راهبه های یونانی ناگزیر بودند عشق رزی سورچیان یا یزرگران غرانسوی یا ونیزی را تحمل کنند. در میان این چپاولها، کتابخانه ها به یغما رفت و کتاب های خطی گرانبهای ی خراب یا ناپدید شد. دو حریق دیگر کتابخانه ها و چند موزه، به اضافه ی کلیساها و خانه های مردم، را ویران کرد. از نمایشنامه های سوفکل و اورپید، که تا آن تاریخ تمام و کمال حفظ شده بود، پس از این تاراجها و آتشسوزیها فقط معدودی به جا مانده. هزاران شاهکار هنری دزدیده، ضایع، یا منهدم شد.

هنگامی که موج تاراج فرو نشست و نیز که اشتیاق فراوانی به نظارت در راه های طولانی بازرگانی داشت، سلطه ی خویش را بر آدریانوپل، ایروس، آکارنایا، بخشی از پلوپونز، اثوبویا، گالیپولی و سه هشتم قسطنطنیه محرز ساخت. مواضع مقدم و کارخانه هایی که سوداگران جنوایی در بیزانس داشتند از چنگ آنها بیرون آورده شد، و داندولو، که اکنون در چکمه های غضب امپراتوری لنگ لنگان قدم برمی داشت، عنوان «دوج ونیز فرمانفرمای یک چهارم و یک هشتم امپراتوری روم» بر خویش نهاد. دیری نگذشت که وی در اوج کامیابی شرارت آمیزش در گذشت. (دورانت، ۱۹۵۰: ۸۱۰)

سوداگری ونیزی ها، در سال ۱۱۰۷ نیز خودنمایی کرد، در این سال کشتی های ونیزی به فرماندهی دوج اردلاوفالیری به یاری فاهمیان آمدند، زیرا ناوگان فاهمیان زیر مجموعه ی ناوگانی از نروژ تحت فرماندهی زیگورد قرار داشتند. ونیزیان بابت این کاریک کلیسا و مقداری اموال منقول پاداش گرفتند. (زانسیمان، ۱۹۰۳ م: ۱۰۶)

ایتالیا را حلقه ی ضعیف فتودالیسم اروپایی نامیده اند، زیرا مناسبات اربابی در آنجا ضعیف تر از هر منطقه ی دیگری در اروپا بود و سلطه ی اشرافیت زمین دار به ویژه در دولت شهرهای شمالی جای خود را به حکومت طبقات شهری داده بود که بر روستاهای پیرامون مسلط بودند. (میکسینز مود، ۲۰۱۶ ف: ۷۹)

سود و ونیز از برده داری نیز فقط ناشی از بهره برداری خود جمهوری از برده ها نبود، بلکه ناشی از نقش مرکزی آن در تجارت اولیه ی برده بود که آنها را برای حکومت خلیفگی اعراب در قرن هشتم میلادی تامین می کرد، در هر حال با این که تجار ایتالیایی می توانستند از استثمار فوق اقتصادی تولیدکنندگان در داخل و هر جای دیگری سود ببرند و سود می برند، بیشترین منافع تجاری شان در سوداگری وجود داشت، نه در تولید. (همان، ۸۱)

وضعیت ونیز بعد از جنگهای صلیبی در قرون وسطی

در قرن سیزدهم تا پانزدهم، ونیز در شبه جزیره ی بالکان و جزایر اطراف آن مراکزی برای خود مستحکم ساخت و نمایندگی های تجاری خود را در دریای سیاه و آزوف تاسیس کرد. یکی از عمده ترین این مراکز تانا (که اکنون آزوف نام دارد) بود. این جمهوری از طریق نمایندگی های خود به تجارت برده، که به طور عمده از ماوراء قفقاز می خرید، می پرداخت. ونیز



ناوگان تجاری بزرگی را در اختیار داشت و بر دریای مدیترانه مسلط بود و آن را به حق «ملکه دریاها» می نامیدند. بازرگانان و نیز کالاهای شرقی را به بازارهای مکاره ی اروپای غربی می آوردند. در و نیز صنعت نیز تکامل یافت و ه خصوص مصنوعات ابریشمی و شیشه ای آن شهرتی به دست آورد. (کاسمینسکی، ۱۹۵۹ف: ۲۵۹) ثروت و نیز در دست گروه بازرگانان بزرگ، که قدرت شهر در اختیار آنان تمرکز داشت. و نیز همچنین دارای حاکم منتخبی به نام «دوج» بود. عالیترین مقام حکومتی شورای بزرگ بود که اعضای آن گرچه به ظاهر انتخاب می شدند، ولی در واقع فقط ثروتمندان می توانستند در آن راه یابند. شورای بزرگ، دوج را انتخاب می کرد.

سیادت الگارشلی تجاری برای حل این بحران شورایی ده نفره تشکیل داد و این شورا به وسیله ی جاجوسان خود عواملی را که برای حکومت مضر بودند ترور می کرد.

و نیز ثروتمند با ساختمانهای نو تزئین یافت. بر روی نمره هایی که شهر را قطع می کرد پل های زیبایی ساخته شد و عمارات رفیعی سر برافراشت. به خصوص میدان بزرگ و نیز (میدان سن مارک) با شکوه فراوان تزئین یافت. در این میدان، کلیسای عظیمی که به نام این حواری تقدیس شده بود بر پا بود و کاخ زیبای دوج ها نیز در همین محل قرار داشت. (همان، ۲۶۰) بازارها را در نزدیکی آب می ساختند. به طور مثال میدان سن مارک در چند متری آب ساخته شده بود و کشتیها از همه جا می آمدند و در اسکله باری می انداختند. (لوکاس، ۱۹۶۱ف: ۵۶۵)

در شروع قرن پانزدهم چنانچه رابرت ارگانگ می نویسد: «ثروتمندترین شهر اروپا بود و در آمد آن بیش از یک کشور سلطنتی بود. همچنین ناوگان جنگی بسیار عظیمی داشت که از هر قدرت اروپایی دیگری قویتر بود.» (Ergang, the Renaissance, p.80).

اما در اواخر قرن پانزدهم، و نیز هم مثل اتحادیه ی نسایی دچار مشکل شد و تسلطش را بر تجارت با آسیا و خاورمیانه از دست داد. هنگامی که قوای امپراتوری عثمانی، که در اواخر سده ی پانزدهم میلادی بر تمام شرق مدیترانه حکومت می کرد، و نیز را محاصره کردند، امتیاز انحصاری و نیز شروع به اضمحلال کرد.

ترک های عثمانی در هر موقعیتی که ممکن می شد به ناوگان های تجاری و نیز حمله می کردند و و نیز درگیر یک سلسله جنگ های پر هزینه با ترک ها شد.

تهدید دیگری برای و نیز که از حمله ی ترک ها هم مخرب تر بود، ظهور رقبای جدید در غرب اروپا بود. اسپانیا و پرتغال، هر دو به تصاحب سهمی در بازرگانی سود آور با شرق علاقمند بودند. این کشورها برای دستیابی به آسیا، در صدد یافتن راه دیگری غیر از دریای مدیترانه که توسط و نیز و ترکان مسدود شده بود، بر آمدند.

اسپانیا سعی می کرد از سمت غرب، راه دریایی به طرف چین پیدا کند. در حالی که پرتغال در صدد بود با دور زدن آفریقا به هند برسد؛ بدین شکل قدرت و نیز رو به افول رفت. (کوریک، ۱۹۴۵م: ۴۴)



نتایج:

جنگهای صلیبی نتوانست به اهداف خود برسد. از شوالیه های اروپای غربی و شهرهای متصرفی آنان در شرق چیزی به جا نماند، اما با همه ی این احوال این جنگها برای اروپا اهمیت بسزایی داشت. بیش از جنگهای صلیبی بازرگانان شرقی گاهی از راه دریای مدیترانه می گذاشتند ولی اکنون دیگر مناسبات تجاری جنوب فرانسوی و ایتالیا با شرق وسعت یافته بود. از جنگهای صلیبی بیش از همه ی شهرهای ایتالیا و به خصوص ونیز وژن استفاده بردند؛ شاید حمله به مرکز مرکزی مسیحی عملی عجیب از سوی صلیبی ها به نظر می رسد، اما بی گمان این عمل سوآور بود چرا که در تاراج قسطنطنیه این شهر بزرگ را غارت کردند و به تدریج توانستند کانون تجارت در مدیترانه شدند. شهرهای سده های میانه و سازمانهای بازرگانی، صنعتی و اجتماعی که شهرها به آن متکی بود، در واقع تاثیر گسترده ای در پیشرفت جامعه ی سده های میانه داشت. با بررسی تاثیر این ها می توان گفت که اگر پیدایش و رشد شهرها و بازرگانی شهرهایی مانند ونیز از حدود ۱۰۰۰ م. آغاز نشده بود، سفرهای اکتشافی و انقلاب صنعتی در عصر نوین به سختی ممکن بود به تحقق پیوندد.



فهرست منابع:

- لوکاس، هنری (۱۹۶۱). تاریخ تمدن، جلد یک. مترجم: عبدالحسین آذرنگ، تهران. انتشارات سخن، ۱۳۹۳. ش
- لوگوف، ژاک (۲۰۱۴). اروپا مولود قرون وسطا. مترجم: بهاء‌الدین بازرگانی، تهران کبیر، ۱۳۹۸.
- کاسمینسکی، یوگنی؛ الکسی یوویچ (۱۹۵۹) تاریخ قرون وسطا. مترجمان: محمد باقر مومنی و محمد صادق انصاری. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۶.
- لاندلن، شارل دو (۱۹۵۸). تاریخ جهانی. جلد یک، مترجم: احمد بهمنش. تهران دانشگاه تهران، ۱۳۶۸. ش
- غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۹۸) تاریخ اروپا از آغاز تا پایان قرن بیستم. تهران: اطلاعات.
- ماله آلبر؛ ایزاک ژول (۱۹۰۴) تاریخ قرون وسطی تا جنگ صد ساله، مترجم: عبدالحسین هژیر. تهران: علم، ۱۳۶۶.
- دورانت، ویل (۱۹۵۰) عصر ایمان. جلد ۲، مترجم: ابوالقاسم طاهری، تهران: نشر علمی و فرهنگی ۱۳۹۹.
- رانسیمان، استیون (۱۹۰۳) تاریخ جنگهای صلیبی. جلد ۲. مترجم: منوچهر کاشف، تهران، علمی و فرهنگی ۱۳۸۴.
- بیگدلی، علی (۱۳۹۰) تاریخ اروپا. در قرون وسطا. تهران: انتشارات پیام نور.
- گیبون، ادوارد (۱۷۹۴). انحطاط و سقوط امپراطوری روم. جلد ۳. مترجم: فرنگیس شادمان. تهران: علمی فرهنگی.
- وان لون، هاندریک (۱۹۴۴). تاریخ بشر. مترجم: علی اکبر بامداد. تهران، نشر امیر کبیر ۱۳۳۴.
- میکسیز وود، ال (۲۰۱۶) امپراتوری سرمایه. مترجم: حسن مرتضوی، تهران نشر نیکا، ۱۳۸۸.
- کوریک، جیمز آ (۱۹۴۵). رنسانس، مترجم: آریتا یاسائی، تهران، ققنوس ۱۳۹۸.

Robert . ergang(1967).the Renaissance . Princeton . n. j. d v. n. nostrand.

John Hale 1993 the civizilation of european the Renaissance .

New York . simon and schuster.



The role of Venice in Crusades and Mediaeval commerce

Hassan shokhmgar

Abstract

The commerce, from twelfth century, made a great progress as a result of Crusades. Mediterranean was the center of commerce and joined three continents to each other. The Venetians were a turning-point in Mediterranean commercial connections. They could made a great of wealth by commerce through crusades. The purpose of this study is investigation of Venice actions during crusades and Mediaeval commerce, to find out the role these actions in the future historical events. In response to the question that how cities of the Italian Peninsula like Venice through Mediaeval became the repository of commercial goods with East. Should say some factors like forth crusade and the venetians commercialism had effect on this issue. The mentioned research is Historical and Analytically one and the data collected by library method.

Keyword: Medieval Venice, Business, The Crusades.